



مرکز تحقیقات استراتژیک
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۰۵

مرداد ۱۳۹۵



زهرا توحیدی
پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک

اوج گیری بحران سیاسی؛ شکنندگی دولت وحدت ملی

مقدمه

بحران سیاسی در دولت وحدت ملی افغانستان وارد مرحله جدیدی شده است؛ برای نخستین بار از زمان تشکیل این دولت (عمر ۲۲ ماهه)، عبدالله عبدالله زبان به انتقاد علنی از اشرف غنی گشوده و وی را با تندترین عبارات مورد حمله قرار داده است. در انتقاد از اشرف غنی گفت: "کسی که حوصله بحث را ندارد، لیاقت ریاست را هم ندارد".

بلافاصله پس از انتشار این سخنان، ارگ ریاست جمهوری، پاسخ صریح و جدی‌ای به انتقادات عبدالله عبدالله ارائه کرد و این صحبت‌های وی را مغایر با موازین و روحیه‌ی دولت‌داری دانست. بیان این سخنان از سوی دو رهبر را می‌توان نشانه مهمی مبنی بر اوج‌گیری بحران در رأس هرم سیاسی افغانستان دانست؛ بحرانی که می‌تواند نشانه شکاف رو به گسترش جدیدی در میان نخبگان این کشور و نمادی از ضعیف‌تر شدن یک دولت شکننده تلقی گردد.

پیرامون دلایل تشدید اختلافات طرفین، چند عامل را می‌توان ذکر کرد:

۱- نامعین بودن مبانی قانونی مشروعیت و قدرت ریاست اجرایی

از ابتدای تشکیل دولت وحدت ملی تاکنون، دولت به تعهدات مندرج در توافقنامه تشکیل دولت وحدت ملی از جمله: تشکیل کمیته تعدیل قانون اساسی، اصلاحات در سیستم انتخابات، توزیع کارت شناسایی الکترونیکی، برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای و شوراهای تشکیل لویه‌جرگه قانون اساسی به منظور بحث و بررسی چگونگی تغییر نظام ریاستی و انتخاب نخست وزیر، عمل نکرده است. همین امر، امکان سوء استفاده اشرف غنی و تیم او از وضعیت موجود را فراهم آورده و به نارضایتی روزافزون عبدالله و هوادارانش دامن زده است؛ نارضایتی‌ای که طی روزهای اخیر به شکل انتقادات تند از اقدامات اشرف غنی، خود را نشان داده است.

یکی از مهمترین معضلات فعلی حکومت در افغانستان، عدم شفافیت در توزیع قدرت و سهم هر

تشکیل نیز نفوذ قدرت‌های بزرگ در تار و پود آن بسیار گسترده بوده ثانیاً پشتون‌ها همواره قدرت سیاسی در این کشور را قبضه کرده‌اند و هیچ سنتی از همکاری و همگرایی میان اقوام و گروه‌های مختلف سیاسی در تاریخ این کشور وجود ندارد. بنابراین ریشه‌های این بحران را میتوان در جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان نیز جستجو کرد. دولت وحدت ملی، نوعی از حکمرانی را در این کشور شکل داده است که با سنت و فرهنگ قوم‌مدارانه و استبدادی این کشور هیچ گونه سازگاری ندارد. بنابراین دولت وحدت ملی در بستری شکل گرفته که امکان رشد و نمو آن بسیار دشوار است.

اما دلیل اصلی تشدید بحران در دولت وحدت ملی هر چه که باشد، نکته مهم آن است که تشدید این بحران، با تصاعد سایر بحران‌ها در فضای سیاسی استراتژیک افغانستان فراهم شده است؛ سایر بحران‌هایی که در سال‌های اخیر در این کشور رو به تصاعد بوده‌اند، عبارتند از:

الف) بحران در توازن قوا میان دولت و شورشیان
شکی نیست که در یک سال اخیر، شورشیان و در رأس آنان، طالبان موفقیت‌های مهمی کسب کرده‌اند. به بیان دیگر، توانمندی دولت در برقراری امنیت حداقلی در بخش‌های مهمی از این کشور به طور فزاینده‌ای با تردید مواجه می‌شود.

ب) بحران در فرایند صلح:

فرایند صلح پاکستان‌محور که اشرف غنی تمامی سرمایه سیاسی خود را برای آن هزینه کرد، اکنون در خوشبینانه‌ترین حالت، در بن‌بست به سر می‌برد؛ به گونه‌ای که غنی تهدید کرده است که از پاکستان به سازمان ملل شکایت می‌کند و این کشور را به دادگاه

یک از دو مقام رئیس‌جمهور و رئیس‌اجرای از آن می‌باشد. عبدالله پیوسته از اشرف‌غنی خواسته که در انتصاب افراد جدید در پست‌های دولتی، بر اساس موافقت‌نامه سیاسی عمل کند. همین اختلافات، موجب به تأخیر افتادن انتخاب وزیر دفاع و رئیس شورای امنیت ملی این کشور تا چند ماه قبل و نیز موجب برانگیخته شدن ناراضی‌های شدید عبدالله از انتصاب رییس کمیسیون مستقل اصلاحات اداری، آقای نادر نادری، از سوی غنی شده است.

۲- فشار نیروهای طرفدار عبدالله

یکی دیگر از دلایلی که در تبیین موضع‌گیری بی‌سابقه عبدالله مطرح می‌شود، فشار روزافزون و ناراضی‌های فزاینده طرفداران وی از موقعیت و جایگاه رئیس‌اجرای است؛ طیف رو به گسترشی از هواداران و پایگاه اجتماعی عبدالله معتقدند که وی با وجود اینکه از آرای بیشتر و پایگاه اجتماعی گسترده تری برخوردار بوده، در فرایند تشکیل و پیشبرد امور دولت وحدت ملی به بازیگری درجه دوم در سپهر سیاسی افغانستان تبدیل شده است. بر این مبنا موضع‌گیری عبدالله، در واقع تلاشی برای احیای پایگاه اجتماعی خود است؛ بویژه آنکه او این اظهارات را در سخنرانی‌ای که در جمع هوادارانش به مناسبت مراسم بزرگداشت برادرزاده آقای کرزی، برگزار شده بود، بیان کرد.

۳- قوم‌محوری و عدم وجود سنت همکاری

یکی دیگر از علل اختلافات رو به رشد میان رهبران دولت وحدت ملی را می‌توان در گرایشات قوم‌مدارانه و سنت استبدادی دیرپا در فرهنگ سیاسی افغانستان جستجو کرد. افغانستان اولاً به عنوان دولتی جعلی و با توطئه استعمار شکل گرفته و از هنگام

جمع بندی

تشدید بحران در رأس دولت وحدت ملی را اگر در کنار تصاعد در سایر بحران‌های مزمن این کشور قرار دهیم، چشم‌انداز تیره و تاری از آینده این کشور ترسیم می‌گردد. تداوم اوج‌گیری اختلافات میان دو رهبر، می‌تواند فرصتی طلایی برای طالبان و پاکستان فراهم نماید؛ به بیان دیگر، بزرگترین برنده این اختلاف رو به گسترش، می‌تواند پاکستان باشد. اگر این اختلاف به درون ساختارهای نیروی نظامی نوپا و شکننده افغانستان نفوذ یابد، توانایی اندک آنان برای حفظ امنیت حداقلی با دشواریهای بیشتر و بیشتری مواجه خواهد شد.

از منظر منافع ایران، پرسش کلیدی آن است که آینده عبدالله و نیروهای حامی وی چه خواهد شد؟ آیا آنان بیش از پیش در این صحنه سیاسی حاشیه‌نشین خواهند شد؟ باید به جستجوی راه‌هایی برای ممانعت از کاهش نقش و جایگاه عبدالله و به طور کلی نیروهای نزدیک به ایران در صحنه سیاسی این کشور بود.

می‌کشاند. بیان چنین سخنانی در مورد پاکستان، به خوبی گویای تنش در روابط دو کشور است و این تنش فزاینده نشان می‌دهد که روند صلح پاکستان محور و در نتیجه، مهمترین ابتکار اشرف غنی در بن‌بست قرار گرفته است.

ج) اقتصاد سیاسی ضعیف‌تر و فاسدتر

بحران دیگری که افغانستان به طور فزاینده‌ای آن را تجربه می‌کند، زوال و فساد رو به گسترش در اقتصاد است. اقتصاد افغانستان در سال‌های پس از ۲۰۰۱، به شدت از حضور نیروهای خارجی متأثر بوده است و اکنون با خروج این نیروها، بسیاری از کسب و کارها در این کشور متوقف یا کساد شده؛ از حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی کاسته شده و گردش پول در اقتصاد آشکارا کاهش یافته است. در همین راستا، بر اساس بررسی اتاق تجارت افغانستان، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و افزایش ناامنی در افغانستان سرمایه‌گذاران این کشور را مجبور کرده تا سرمایه‌های خود را از افغانستان خارج کنند و حجم سرمایه‌گذاری در افغانستان در سال گذشته کاهش ۲۶ درصد کاهش یافته بود اما این رقم در سال جاری، کاهش ۳۶ درصدی را نشان می‌دهد.

به بیان دیگر، یک اقتصاد کوچک شده است اما از دیگر سو، سازمان بین‌المللی شفافیت، فساد در افغانستان را به عنوان خطر اصلی برای این کشور تلقی نموده و افغانستان ۲۰۱۵، از افغانستان ۲۰۰۵ را به مراتب فاسدتر معرفی کرده است. در واقع فساد، به نحوی در تار و پود این دولت ریشه دوانده که نماینده سازمان ملل در افغانستان اخیراً مدعی شد که تمامی ارکان دولت فاسد هستند و کاری از دست کسی برنمی‌آید.